



دانشگاه گنبد کاووس و منابع طبیعی گنبد

نشریه مرتعداری

سال دوم، شماره اول، ۱۳۹۴

<http://jrm.gau.ac.ir>

## بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتعداری (مطالعه موردی: شهرستان سندج)

نسرین سجادی<sup>۱</sup>، مجید محمداسمعیلی<sup>۲</sup>، \* بهاره بهمنش<sup>۳</sup>

محمد رضا شهرکی<sup>۴</sup> و فرزاد اسکندری<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه مرتعداری، دانشگاه گنبد کاووس، دانشجویار گروه مرتع و آبخیزداری، دانشگاه گنبد کاووس، <sup>۲</sup> استادیار گروه مرتع و آبخیزداری، دانشگاه گنبد کاووس، <sup>۳</sup> محقق و مدرس مؤسسه آموزش عالی (غیرانتفاعی) کاووس، <sup>۴</sup> استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کردستان

ساعی گرگان، <sup>۵</sup> استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کردستان

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۹

### چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتعداری در شهرستان سندج از استان کردستان انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش را ۴۲۰ نفر از بهره‌برداران ذینفع ۱۰ طرح مرتعداری در ۱۰ روستا بودند. در مجموع، ۲۰۰ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده به صورت پیمایشی مورد بررسی قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. روایی ابزار پژوهش با استفاده از دیدگاه کارشناسان و میزان پایایی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد که میزان آن برابر ۰/۸۱۲ به دست آمد. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای میزان درآمد سالیانه از بین عوامل اقتصادی، تشکیل دوره‌های آموزشی ترویجی و حس مسئولیت‌پذیری از بین عوامل اجتماعی، به ترتیب با ضریب همبستگی ۰/۲۳۲، ۰/۱۸۰ و ۰/۳۸۸، با میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج رگرسیون چندمتغیره گویای آن است که، بیش‌ترین میزان تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای اجتماعی با میزان ۱۱/۱۸۱ به دست آمده است. همچنین یافته‌های بیانگر آن است که میزان مشارکت

\* مسئول مکاتبه: [behmanesh@gonbad.ac.ir](mailto:behmanesh@gonbad.ac.ir)

بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری در دو متغیر درآمد سالیانه و عضویت در تعاونی، در سطح ۹۵ درصد اطمینان، تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارند. با توجه به نتایج به دست آمده، حضور در دوره‌های آموزشی و ترویجی، بالا بردن میزان درآمد با استفاده از فعالیت‌های جانبی و همچنین تشکیل تعاونی‌های و عضویت بهره‌برداران در آن‌ها می‌تواند از پیشنهادات این پژوهش باشد.

**واژه‌های کلیدی:** بهره‌برداران، طرح‌های مرتعداری، مرتع، مشارکت

### مقدمه

منابع طبیعی بستر توسعه پایدار و پشتوانه حیات طبیعی و میراث فرهنگی جامعه انسانی به‌شمار می‌روند. رشد فزاینده جمعیت، ضرورت دسترسی به فرصت‌های شغلی جایگزین، کمبود و فقدان منابع الگوی کارآمد توسعه، موجبات فشار بیش از حد بر منابع طبیعی تجدیدشونده را فراهم می‌نماید و امروزه تخریب منابع طبیعی به‌عنوان یک معضل جهانی، فکر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را به خود معطوف داشته است. با توجه به سطح وسیع منابع طبیعی در کشور و روند رو به گسترش تخریب این منابع، لزوم توجه و مشارکت همه آحاد جامعه در امر توسعه، حفظ و احیای این منابع امری لازم و ضروری است (میردامادی و صالحی، ۲۰۰۴). به‌طوری‌که استعلاجی و فلاح‌تبار (۲۰۱۱) معتقدند مشارکت جوامع محلی در طرح‌های توسعه‌ای می‌تواند از مرحله اطلاع‌رسانی تا توانمندسازی آن جوامع، باشد. از طرفی واینو و همکاران (۲۰۰۸) دخیل بودن عوامل انسانی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بهره‌برداری و حفاظت از حوزه‌های آبخیز می‌داند، در حالی که اظهار می‌کنند برای مدیریت آبخیزها، نیازمند تدوین و اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌های مشارکتی است تا بتوان از نظریات و بازخوردهای ذینفعان در مراحل مختلف طراحی، تدوین و اجرای طرح‌ها استفاده کرد. با توجه به این‌که امروزه به رهیافت‌های مشارکتی در منابع طبیعی به‌عنوان راهبردهای اثربخشی نگریسته می‌شود، بنابراین از این طریق می‌توانند با جلب مشارکت همگان زمینه‌ساز موفقیت طرح‌های مختلف در زمینه حفظ، احیا و بهره‌وری پایدار منابع طبیعی باشند (زه‌دی و همکاران، ۲۰۰۴). هر چند پایداری توسعه فقط در منابع طبیعی خلاصه نمی‌شود، اما اعتقاد بر این است که حفظ و احیا منابع طبیعی به‌عنوان بستر حیات انسان‌ها مهم‌ترین عامل رسیدن به توسعه پایدار است. با توجه به نقش مردم در توسعه پایدار و نیز گستردگی منابع طبیعی کشور و اهمیت آن در توسعه پایدار، ضرورت همکاری

مردم در مدیریت منابع طبیعی مشخص می‌گردد (سعدی، ۱۹۹۳؛ برون و هاریس، ۲۰۰۵). از طرفی برخی پژوهشگران (ریچارد و همکاران، ۲۰۰۴؛ ازرول و نیوایچ، ۲۰۰۸؛ اسکوتاچ و لاک، ۲۰۰۸) بر این باورند که دخالت و مشارکت روستاییان و گروه‌های محلی در پروژه‌ها و طرح‌ها می‌تواند مزایای فراوانی را به همراه داشته باشد. بنابراین دخالت دادن افراد محلی در تمامی مراحل طرح‌ها (تدوین، اجرا و ارزشیابی) به‌ویژه مشارکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند به گامی مؤثر در اجرای موفق آن طرح باشد (لیو و همکاران، ۲۰۱۰). به هر حال، امروزه مشارکت مردم در روند توسعه نزد صاحب‌نظران چنان جایگاهی یافته است که گاه توسعه را معادل با مشارکت دانسته‌اند و یا مشارکت را وسیله و هدف توسعه ذکر کرده‌اند (طالب و نجفی‌اصل، ۲۰۱۰). مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری با توجه به آشنایی آن‌ها با شرایط منطقه و همچنین نیروی کار زیاد و ارزان آن‌ها و با توجه به کمبود شدید امکانات و سرمایه‌های دولتی در مقابل وسعت زیاد مراتع تخریب‌یافته، می‌تواند به‌عنوان عاملی مثبت در اثرگذاری این طرح‌ها و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده مطرح باشد. بنابراین بررسی دقیق عوامل مؤثر در مقوله مشارکت بهره‌برداران و روستاییان در طرح‌های منابع طبیعی به‌خصوص طرح‌های مرتعداری، می‌تواند گامی مؤثر در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده در آینده نزدیک باشد. از آنجایی که عوامل مختلفی در میزان مشارکت بهره‌برداران و روستاییان در طرح‌های مختلف متفاوت منابع طبیعی به‌خصوص طرح‌های مرتعداری، تأثیرگذار هستند، به برخی از نتایج پژوهش‌های انجام شده اشاره می‌گردد:

شریفی و همکاران (۲۰۱۰) و پروکی (۲۰۰۵) نیز اظهار کرده‌اند که طرح‌های توأم با مشارکت مردم در مقایسه با طرح‌های از پیش طراحی شده به موفقیت بیشتری دست یافته‌اند. به بیان دیگر، مشارکت‌های مردم محلی سبب توفیق بیشتر طرح‌ها خواهد شد. یافته‌های رضایی و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت روستاییان در طرح آبخیزداری حوزه آبخیز خمارک"، پایین بودن سطح آگاهی روستاییان از طرح‌های آبخیزداری، فقدان نظام اطلاع‌رسانی مناسب و عدم بهره‌مندی کافی از تسهیلات اعتباری و حمایت‌های دولتی، از جمله مهم‌ترین موانع مشارکت روستاییان در طرح‌ها بیان کرده‌اند. همچنین نتایج بیانگر آن است که چهار متغیر میزان آشنایی افراد با طرح، نگرش افراد نسبت به طرح، سطح تحصیلات و سابقه فعالیت کشاورزی با میزان مشارکت افراد در طرح‌های آبخیزداری، رابطه مثبت و معنی‌داری دارند. نتایج پژوهش‌های خان‌محمدی و همکاران (۲۰۱۲) و رایس و استوارت (۱۹۶۷) نشان داد که بین متغیرهای

سطح، سابقه مرتعداری و کیفیت مراتع رابطه مثبت و متغیرهای موانع اقتصادی (مانند عدم پرداخت تسهیلات بانکی، توزیع ناعادلانه خدمات، عدم مالکیت مرتع، پایین بودن توان اقتصادی خانوار بهره‌بردار، عدم برخورداری از تسهیلات و امکانات حمایتی، عدم انجام تعهدات حمایتی از سوی دولت، عدم انگیزه مادی مرتعداران برای مشارکت و عدم سوددهی طرح برای بهره‌برداران) و موانع مدیریتی (مانند ناهماهنگی بین سازمان‌های تحقیقاتی و اجرایی، عدم وجود مدیریت توانمند برای به مشارکت گرفتن مردم، پایین بودن ارتباط مسئولین طرح با مرتعداران، تغییرات مکرر در نظام تشکیلات مدیریتی، عدم وجود شرکت‌های تعاونی مرتعداران و عدم تشکیل گروه‌های خودگردان در طرح‌ها) رابطه معکوسی با متغیر وابسته یعنی میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری دارند. باجی (۲۰۰۵) در نتایج تحقیقاتی خود، متغیرهایی هم‌چون سن، وضعیت اجتماعی بهره‌برداران و تعداد اعضای خانوار را از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بهبود مشارکت روستاییان در طرح‌های آبخیزداری معرفی کرده‌اند. نتایج پژوهش‌های محمدی (۲۰۰۴) بر روی میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های آبخیزداری نشان داد که عواملی نظیر انگیزه روستاییان، اعتماد به مجریان، وابستگی به دولت و پایگاه اجتماعی اقتصادی روستاییان با میزان مشارکت رابطه معنی‌داری دارند. کراوس و همکاران (۲۰۱۳) در نتایج پژوهش‌های خود بیان کرده‌اند که بین میزان رضایت‌مندی افراد با میزان مشارکت و همچنین سطح تحصیلات روستاییان رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین نتایج پژوهش‌های روحی و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی نقش عوامل اجتماعی بهره‌برداران و میزان مشارکت آنان در اجرای طرح‌های مرتعداری در شهرستان قائم‌شهر، بیانگر آن است که بین میزان آگاهی بهره‌برداران از طرح‌های مرتعداری با میزان مشارکت رابطه مثبت و معنی‌دار و همچنین متغیر سن اثر منفی و معنی‌داری با متغیر وابسته یعنی میزان مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتعداری داشت. نتایج پژوهش‌های شریعت‌زاده و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهد بین شرکت در جشنواره مرتع، شرکت در کلاس‌های ترویجی و نوع بهره‌برداری از مرتع، با مشارکت در مدیریت مرتع رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین میزان تحصیلات و انگیزه مشارکت در فعالیت‌های مرتعداری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج شعبانعلی‌فمی و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مرتعداران در طرح‌های مرتعداری در شهرستان تفرش"، نشان می‌دهد رابطه معنی‌داری بین متغیر میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری و متغیرهای رضایت و آگاهی از طرح، انگیزه مشارکت، بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی، درک نسبت به اثربخشی روش‌های ترویجی، تعداد واحد دامی تحت تملک، مالکیت اراضی زراعی دیم و گوسفند و بز موجود در مرتع، تعداد دام مجاز برای ورود به محدوده طرح و تعداد ماه‌های نگهداری دام

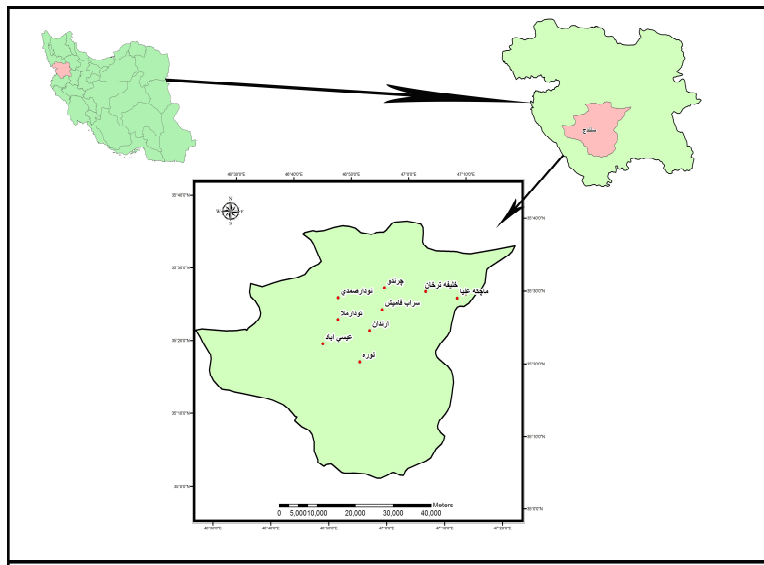
در روستا وجود داشت. هانت‌سینگر و فرت‌من (۱۹۹۰) در مطالعات خود نشان دادند که نه تنها منفعت بلکه عوامل اجتماعی، ارزش‌ها و گرایش‌ها از جمله سطح سواد، سن، درآمد، محل سکونت و اندازه مرتع بر تصمیم بهره‌برداران مؤثر است. آن‌ها در بررسی شیوه مدیریت و خواسته‌های جنگلداران کالیفرنایی پی بردند که بیش‌تر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر تصمیم افراد مؤثر بوده است. همچنین مطالعات آتمیس و همکاران (۲۰۰۷) متغیر سن؛ تاپا (۱۹۹۹) متغیر میزان آگاهی؛ چودوری (۲۰۰۴) متغیر سطح تحصیلات را مؤثر در میزان مشارکت بیان کرده‌اند. همچنین فهام و همکاران (۲۰۰۹) به تأثیرگذاری عواملی از جمله تعداد اعضای خانوار، میزان انگیزه اقتصادی و اجتماعی، میزان آگاهی، در میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های جنگلداری بیان کرده‌اند. لوبل و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعات‌شان در کالیفرنیا به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش آگاهی دامداران از برنامه‌های احیایی و حفاظتی، تأثیر زیادی در میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های مذکور داشته است. از آن‌جایی‌که عوامل اقتصادی- اجتماعی از جمله عوامل اصلی و کلیدی در اجرا و موفقیت طرح‌های مرتعداری است؛ به‌طوری‌که مشارکت افراد محلی می‌تواند به اجرای بهتر برنامه‌های حفاظتی و اتخاذ تصمیمات مهم برای رسیدن به کارایی بیش‌تر بینجامد. بنابراین با توجه به چالش‌های موجود در زمینه مشارکت بهره‌برداران در اجرای فعالیت‌های احیایی و اصلاحی طرح‌های مرتعداری منطقه مورد مطالعه، این پژوهش با هدف شناخت و واکاوی مهم‌ترین عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری در شهرستان سنندج از استان کردستان، پرداخته است.

### مواد و روش‌ها

شهرستان سنندج با ۲۱۲۴۱۶ هکتار وسعت، ۱۶۴۵۸۸ هکتار آن را مراتع تشکیل داده است<sup>۱</sup> (شکل ۱). جمعیت آن حدود ۴۷۸۰۸۵ نفر بوده و دارای ۹ دهستان با ۱۸۴ روستا است که از این تعداد ۳ روستا خالی از سکنه و ۱۸۱ آبادی دیگر آن دارای سکنه است. تعداد خانوارهای این شهرستان رقمی معادل ۱۴۲۹ خانوار را نشان می‌دهد که بعد خانوار آن برابر است با ۶/۱۶ نفر که بیانگر جامعه سستی پرجمعیت است<sup>۲</sup>. در گذشته اقتصاد مردم استان بر اساس فعالیت‌های دامداری و کشاورزی بوده است. اما امروزه به‌دلیل تغییر و تحول زیاد در وضعیت اجتماعی، وضعیت اقتصادی نیز دست‌خوش تغییراتی گشته است.

۱- اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کردستان

۲- سالنامه آماری استان کردستان، ۱۳۸۵



شکل ۱- نقشه شماتیک منطقه مورد مطالعه.

این پژوهش با روش تحقیق پیمایشی<sup>۱</sup> انجام شده است. این پژوهش از لحاظ گردآوری اطلاعات و داده‌ها و بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را ۴۲۰ نفر از بهره‌برداران ذینفع ۱۰ طرح مرتعداری در روستاهای ماچکه‌سفلی، ماچکه‌علیا، خلیفه‌ترخان، چرندو، تودار صمدی، سرابقامیش، تودارملا، آرندان، عیسی‌آباد و نوره، شهرستان سنندج در استان کردستان می‌باشد. با استفاده از جدول کرجسی - مورگان<sup>۲</sup>، ۲۰۰ بهره‌بردار به‌عنوان حجم نمونه انتخاب گردیدند. به‌طوری‌که، از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی برای نمونه‌گیری بهره گرفته شده است. از پرسشنامه به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. پرسشنامه مورد استفاده بر اساس یک شاخص ۹ گویه‌ای از مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری و یک شاخص ۹ گویه‌ای از عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر مشارکت بود. هر کدام از گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای شامل خیلی‌زیاد (با ارزش عددی ۴)، زیاد (با ارزش عددی ۳)، متوسط (با ارزش عددی ۲)، کم (با ارزش عددی ۱) و هیچ (با ارزش عددی صفر) مورد سنجش قرار گرفتند. برای افزایش روایی<sup>۳</sup> محتوای پرسشنامه از نظرات کارشناسان و متخصصان منابع طبیعی و

1- Survey Research  
2- Krejcie & Morgan  
3- Validity

همچنین توزیع ابتدایی پرسشنامه میان ۳۰ نفر از بهره‌برداران و اعمال نظرات اصلاحی، انجام گرفت. میزان اعتبار<sup>۱</sup> پرسشنامه پژوهش از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و تعیین گردید (۰/۸۱۲). پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی اطلاعات، داده‌ها با نرم‌افزار SPSS<sup>۲۱</sup> مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در انجام آن از آماره‌های فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، فریدمن، ضریب همبستگی، رگرسیون چندمتغیره و کای دو استفاده گردید.

### نتایج

توزیع سنی پاسخگویان نشان داد که از بین ۲۰۰ نمونه مورد مطالعه، ۱۲۹ نفر یعنی ۶۴/۵ درصد با بیش‌ترین فراوانی دارای سنی بین ۲۵ تا ۵۰ سال و ۷۱ نفر (۳۵/۵ درصد) با کم‌ترین فراوانی در گروه سنی ۵۰ تا ۷۵ سال قرار گرفته‌اند. بیش از نیمی از پاسخگویان بی‌سواد و یا سواد در حد ابتدایی دارند. ۶۱ درصد از پاسخگویان با بیش‌ترین فراوانی بین ۱ تا ۴ نفر را تحت تکفل خود دارند. ۵۰ درصد از بهره‌برداران (۱۰۰ نفر) سابقه‌ای بین ۲۰ تا ۳۵ سال در دامداری دارند (جدول ۱).

جدول ۱- توزیع فراوانی ویژگی‌های فردی پاسخگویان.

گروه متغیر	فراوانی	درصد
سن (سال)	۱۲۹	۶۴/۵
	۷۱	۳۵/۵
تحصیلات (سال)	۶۶	۳۳
	۴۷	۲۳/۵
	۵۲	۲۶
	۳۵	۱۷/۵
افراد تحت تکفل (نفر)	۱۲۲	۶۱
	۷۸	۳۹
سابقه دامداری (سال)	۷۷	۳۸/۵
	۱۰۰	۵۰
	۲۳	۱۱/۵

یافته‌های حاصل از میانگین رتبه‌ای فریدمن در جدول ۲ بیانگر آن است که بهره‌برداران در دو مورد اجرای بذرپاشی با میانگین ۷/۲۴ و کویاشی با میانگین ۶/۸۴، بیش‌ترین میزان مشارکت را در اجرای طرح‌های مرتعداری داشته‌اند. از طرفی در امر ایجاد و نگهداری قرق و همچنین ایجاد پیتینگ به ترتیب با میانگین ۳/۶۵ و ۳/۵۲، کم‌ترین میزان مشارکت را داشته‌اند.

جدول ۲- اولویت‌بندی نظرات پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری.

اولویت	میانگین رتبه‌ای	مشارکت در:
۱	۷/۲۴	بذرپاشی
۲	۶/۸۴	کودپاشی
۳	۵/۷۹	تأمین و توسعه منابع آب شرب دام
۴	۵/۶۲	ایجاد آبشخور در مرتع
۵	۴/۳۲	کنترل زمان ورود و خروج دام از مرتع
۶	۴/۲۰	خروج دام مازاد بر ظرفیت مرتع
۷	۳/۸۳	انجام بوته‌کاری
۸	۳/۶۵	ایجاد و نگهداری قرق
۹	۳/۵۲	ایجاد پیتینگ

به‌منظور تعیین رابطه بین عوامل مستقل با متغیر وابسته یعنی میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری، از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن جهت تعیین میزان همبستگی بین این متغیرها استفاده گردید. بر اساس یافته‌های به‌دست آمده در جدول ۳، متغیرهای درآمد سالیانه از دسته عوامل اقتصادی، تشکیل کلاس‌های آموزشی و حس مسئولیت‌پذیری از دسته عوامل اجتماعی، در سطح ۹۵ درصد اطمینان، در میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری تأثیرگذار بودند. به بیان دیگر همبستگی میزان مشارکت با متغیر درآمد سالیانه با ضریب همبستگی ۰/۲۳۳، میزان مشارکت با متغیر تشکیل کلاس‌های آموزشی با ضریب همبستگی ۰/۱۸۰ و همچنین میزان مشارکت با متغیر حس مسئولیت‌پذیری نیز با ضریب همبستگی ۰/۳۸۸، رابطه مثبت و معنی‌داری دارند. همچنین می‌توان بیان کرد که متغیر حس مسئولیت‌پذیری نسبت به سایر متغیرها بیش‌ترین تأثیر را در میزان مشارکت



## نسرین سجادی و همکاران

بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری دارد. از طرفی دیگر طبق نتایج به‌دست آمده بین ویژگی‌های فردی (سن، تحصیلات، تعداد افراد تحت تکفل و سابقه دامداری) و میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری رابطه معنی‌داری وجود نداشت.

جدول ۳- ارتباط بین متغیرها و میزان مشارکت پاسخگویان.

متغیرها	دسته عوامل	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (sig)
سن	ویژگی‌های فردی	-۰/۰۶۷	۰/۳۴۸
تحصیلات		۰/۰۶۲	۰/۳۸۱
تعداد افراد تحت تکفل		-۰/۰۴۲	۰/۵۵۹
سابقه دامداری		-۰/۰۶۳	۰/۳۷۵
درآمد سالانه	اقتصادی	۰/۲۳۲*	۰/۰۰۱
تسهیلات بانکی		-۰/۱۰۴	۰/۱۴۱
تشکیل دوره‌های آموزشی ترویجی	اجتماعی	۰/۱۸۰*	۰/۰۱۱
شیوه بهره‌برداری از مراتع		-۰/۰۵۰	۰/۴۷۹
اختلاف قومی و محلی بین بهره‌برداران		-۰/۰۰۹	۰/۹۰۴
توانمندی در رفع مشکلات		۰/۰۰۷	۰/۹۴۲
روابط کارکنان منابع طبیعی با بهره‌برداران		۰/۱۲۱	۰/۰۸۹
حس مسئولیت‌پذیری		۰/۳۸۸*	۰/۰۰۰
اطلاع و آگاهی از اهمیت مراتع		-۰/۱۲۶	۰/۰۷۵

\* معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان.

نتایج جدول ۴ که مربوط به تعیین تأثیر هر کدام از دسته عوامل فردی، اقتصادی و اجتماعی است، مورد آزمون قرار گرفته‌اند. همان‌طور که جدول زیر نشان می‌دهد عوامل اجتماعی علاوه بر این که با میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری معنی‌دار می‌باشد، بیش‌ترین میزان تغییرات متغیر وابسته نیز بر اساس متغیرهای اجتماعی با میزان ۱۱/۱۸۱ به‌دست آمده است.

نشریه مرتعداری، سال دوم (۱)، ۱۳۹۴

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چندمتغیره در میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری.

متغیر مستقل	برآورد پارامترها	آماره والد	سطح معنی‌داری
ویژگی‌های فردی	-۰/۱۶۳	۰/۰۹۸	۰/۷۵۴
اقتصادی	۰/۵۰۴	۲/۵۹۳	۰/۱۰۷
اجتماعی	۱/۵۸۰	۱۱/۱۸۱	۰/۰۰۱

برای بررسی وضعیت میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری در گروه‌های مختلف، از آزمون کای دو استفاده شده است. همان‌طور که در جدول ۵ نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری آزمون کای دو در متغیرهای درآمد سالیانه و وجود تعاونی مرتعداری کوچک‌تر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه در سطح معنی‌داری ۹۵ درصد، میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری در دو متغیر درآمد سالیانه و عضویت در تعاونی مرتعداری با هم برابر نیستند. به بیانی دیگر، بهره‌بردارانی که میزان درآمد سالیانه آن‌ها بیش‌تر از ۵ میلیون تومان است و همچنین بهره‌بردارانی که عضو تعاونی هستند، میزان مشارکت بیش‌تری در اجرای طرح‌های مرتعداری منطقه داشته‌اند. به‌طوری‌که میزان مشارکت در بین گروه‌های دیگر مانند سن، افراد تحت تکفل، شیوه بهره‌برداری، سابقه دامداری و تحصیلات، ارتباط معنی‌داری وجود نداشت.

جدول ۵- مقایسه نظر پاسخگویان نسبت به میزان مشارکت (متغیر مقایسه‌ای) در بین گروه‌های مختلف.

ردیف	متغیر گروه‌بندی	طبقه	سطح	مقدار کای-دو	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۱	سن	۱	۲۵-۵۰	۶/۶۳۱	۴	۰/۱۵۷
		۲	۵۰-۷۵			
۲	افراد تحت تکفل	۱	۱-۴	۰/۸۱۲	۴	۰/۹۳۱
		۲	۵-۸			
۳	درآمد سالیانه	۱	کم‌تر از ۵ میلیون	۱۶/۴۱۷	۴	۰/۰۰۳
		۲	بیش‌تر از ۵ میلیون			
۴	شیوه بهره‌برداری	۱	مشاع	۱۴/۹۰۳	۴	۰/۰۶۱
		۲	خانوادگی و عرفی			
۵	عضویت تعاونی	۱	عضویت در تعاونی	۶۲/۷۴۷	۴	۰/۰۰۰
		۲	عدم عضویت در تعاونی			

ادامه جدول ۵-

ردیف	متغیر گروه‌بندی	طبقه	سطح	مقدار کای-دو	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
		۱	۵-۲۰			
۶	سابقه دامداری	۲	۲۰-۳۵	۵/۴۶۲	۸	۰/۷۰۷
		۳	۳۵-۵۰			
		۱	بی‌سواد			
۷	تحصیلات	۲	ابتدایی	۱۵/۲۳۹	۱۲	۰/۲۲۹
		۳	راهنمایی			
		۴	دبیرستان			

### بحث و نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر مقابله با عوامل تخریب جنگل‌ها و مراتع و تلاش در جهت احیای این منابع به‌عنوان گامی اساسی و ضروری در راستای توسعه پایدار بیان شده است. اما، با توجه به وسعت زیاد جنگل‌ها و مراتع و نیاز به نیروی انسانی بسیار زیاد جهت حفاظت و احیای این منابع به‌نظر می‌رسد، مشارکت بهره‌برداران عرصه‌های مذکور بهترین راهکار برای توسعه این منابع باشد (جلالی و کرمی، ۲۰۰۶؛ امیرنژاد و رفیعی، ۲۰۰۹). به‌طوری‌که در حفظ و احیای مراتع، هر نوع برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری متمرکز و بدون حضور و مشارکت مردم ناموفق بوده است. بنابراین استفاده از مشارکت مردمی به‌عنوان یک نیاز و ضرورت مطرح است و تأکید بر مشارکت مردم در تصمیم‌های پیرامون منابع طبیعی به‌عنوان نزدیک‌ترین و آسان‌ترین راهکار حفظ این منابع است. این پژوهش در راستای مطالب فوق‌الذکر و با هدف بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی تأثیرگذار در میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری در شهرستان سنندج به انجام رسیده است. طبق مطالعات میدانی انجام شده در منطقه مورد مطالعه نتایج به‌شرح زیر ارائه می‌گردد. نتایج نشان داد که بیش‌ترین فراوانی مربوط به طبقه سنی ۲۵ تا ۵۰ سال بوده، که جوان‌ترین آن‌ها ۲۵ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۷۵ سال داشته است. نتایج حاصل از نظرات پاسخگویان در زمینه سطح سواد آن‌ها بیانگر آن است که، درصد قابل ملاحظه‌ای از پاسخگویان بی‌سواد و یا سواد در حد ابتدایی و راهنمایی داشته‌اند (۸۲/۵ درصد) که نشان از سطح سواد پایین افراد مورد مطالعه در منطقه است. یافته‌ها بیانگر آن است که، ۶۱ درصد از پاسخگویان با بیش‌ترین فراوانی بین ۱ تا ۴ نفر را تحت تکفل خود دارند. یافته‌ها در

خصوص سابقه دامداری نشان‌دهنده آن است که نیمی از بهره‌برداران در امر دامداری با بیش‌ترین فراوانی (۵۰ درصد) سابقه‌ای بین ۲۰ تا ۳۵ سال دارند؛ که بیانگر دانش بالای آن‌ها در زمینه دامداری و گله‌داری در مراتع می‌باشد. یافته‌های حاصل از اولویت‌بندی میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری با استفاده از آزمون فریدمن بیانگر آن است که بهره‌برداران در اجرای بذریابی با میانگین ۷/۲۴ و کودپاشی با میانگین ۶/۸۴، بیش‌ترین میزان مشارکت و در امر ایجاد و نگهداری قرق و همچنین ایجاد پیتینگ به‌ترتیب با میانگین ۳/۶۵ و ۳/۵۲، کم‌ترین میزان مشارکت را داشته‌اند. نتایج پژوهش‌های خان‌محمدی و همکاران (۲۰۱۲) و آرایش و همکاران (۲۰۱۰) نیز یافته به‌دست آمده را مورد تأیید قرار می‌دهد. نتایج حاصل تحلیل ضریب همبستگی نشان داد، بین ویژگی‌های فردی مانند سن، تحصیلات، افراد تحت تکفل و سابقه دامداری پاسخگویان، با میزان مشارکت بهره‌برداران، هیچ رابطه معنی‌داری وجود نداشت. خان‌محمدی و همکاران (۲۰۱۲) نیز در نتایج پژوهش‌های خود به عدم رابطه معنی‌دار سن با میزان مشارکت اشاره کرده‌اند. از طرفی روحی و همکاران (۲۰۱۰)، خلیقی و حسن‌قاسمی (۲۰۰۴) و امیرنژاد و رفیعی (۲۰۰۹) در پژوهش‌های خود به رابطه منفی سن پاسخگویان با میزان مشارکت آن‌ها در طرح‌های مرتعداری اشاره کرده‌اند. یافته‌های پژوهش‌های باجی (۲۰۰۵)، هانت‌سینگر و فرت‌من (۱۹۹۰) و آتمیس و همکاران (۲۰۰۷) نشان از رابطه مثبت و معنی‌دار سن با میزان مشارکت در طرح‌های منابع طبیعی اعم از مرتع و جنگل است. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که سطح تحصیلات بر میزان مشارکت بهره‌برداران هیچ تأثیر معنی‌داری نداشته است. این یافته با نتایج پژوهش‌های خلیقی و حسن‌قاسمی (۲۰۰۴) همسو می‌باشد. یافته‌های پژوهش‌های امیرنژاد و رفیعی (۲۰۰۹)، رضایی و همکاران (۲۰۱۲)، عابدینی (۲۰۰۱)، کراوس و همکاران (۲۰۱۳)، آجیلی و همکاران (۲۰۰۷) و چودوری و همکاران (۲۰۰۴) با به اثبات رساندن تأثیر سطح تحصیلات در میزان مشارکت، خلاف یافته فوق را ارائه کرده‌اند. بهشتی‌سرشت و همکاران (۲۰۰۵) و موسوی (۲۰۰۳) نیز کم‌سوادی بهره‌برداران را از جمله عوامل بازدارنده میزان مشارکت در مدیریت منابع طبیعی می‌دانند. نتایج به‌دست آمده از پژوهش بیانگر آن است که بین متغیرهای افراد تحت تکفل و سابقه دامداری با میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های خلیقی و حسن‌قاسمی (۲۰۰۴) هم‌خوانی دارد. همان‌طور که یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داده است که بین میزان درآمد سالیانه بهره‌برداران با میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری رابطه مثبت معنی‌داری وجود داشت. در همین راستا امیرنژاد و

رفیعی (۲۰۰۹) بیش‌ترین تغییرات در میزان مشارکت را از آن میزان درآمد سالیانه بهره‌برداران بیان کرده‌اند. به طوری که هرچه میزان درآمد بهره‌برداران بیش‌تر شود، میزان مشارکت در آن‌ها به همان نسبت بیش‌تر خواهد شد. از طرفی نتایج به‌دست آمده با یافته‌های مطالعات خلیقی و چکشی (۲۰۰۵) و هانت‌سینگر و فرت‌من (۱۹۹۰) هم‌سو می‌باشد و آن را مورد تأیید قرار می‌دهد. از طرفی بین ارائه تسهیلات بانکی و میزان مشارکت هیچ رابطه معنی‌داری وجود نداشت. به طوری که رضایی و همکاران (۲۰۱۲) عدم بهره‌مندی کافی از تسهیلات اعتباری و حمایت‌های دولتی را از جمله مهم‌ترین موانع مشارکت روستاییان در طرح‌ها بیان کرده‌اند. با توجه به این‌که نتایج پژوهش‌های خان‌محمدی و همکاران (۲۰۱۲) و رایس و استوارت (۱۹۶۷)، بیانگر آن است که بین ارائه تسهیلات بانکی و میزان مشارکت رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. نتایج نشان داد که از بین دسته عوامل ویژگی‌های فردی، اقتصادی و اجتماعی، فقط دسته عوامل اجتماعی با میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری رابطه مثبت و معنی‌داری داشت. به بیان دیگر، این یافته بیانگر آن است که عوامل اجتماعی نسبت به سایر عوامل تأثیر بیش‌تری در میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری داشته است. نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره نیز این یافته را مورد تأیید قرار داده و نشان می‌دهد عوامل اجتماعی با آماره والد ۱۱/۱۸۱ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ بیش‌ترین تغییرات را در میزان مشارکت بهره‌برداران شامل شده است و آن را تبیین نموده است. همچنین نتایج حاصل از کای‌اسکوئر نشان داد که میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتعداری در گروه‌های درآمد سالیانه و عضویت در تعاونی مرتعداری با یکدیگر متفاوتند. به بیانی دیگر، بهره‌بردارانی که میزان درآمد سالیانه آن‌ها بیش‌تر و همچنین عضو تعاونی هستند، میزان مشارکت بیش‌تری در اجرای طرح‌های مرتعداری منطقه داشته‌اند. با توجه به مواردی که ذکر شد و نتایج به‌دست آمده از پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر در جهت بهبود میزان مشارکت بهره‌برداران در منطقه مورد مطالعه ارائه می‌گردد:

- یافته‌های پژوهش نشان داد که حضور و شرکت بهره‌برداران در برنامه‌ها و کلاس‌های آموزشی و ترویجی مدیریت مراتع، در میزان مشارکت آن‌ها در طرح‌های مرتعداری تأثیر مثبتی داشته است، از این‌رو پیشنهاد می‌شود کلاس‌های آموزشی و ترویجی دایر شود که در آن‌ها بر اهمیت مقوله‌هایی نظیر مشارکت بهره‌برداران و نقش آن در حفظ و احیای مراتع تأکید دارد.

- با توجه به این‌که بین میزان درآمد سالیانه بهره‌برداران و میزان مشارکت آن‌ها در طرح‌های مرتعداری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، از طرفی به دلیل پایین بودن درآمد سرانه خانوار و وابستگی

معیشت روستا به دامداری در منطقه مورد مطالعه، توصیه می‌گردد برای کاهش وابستگی روستاییان به دامداری و همچنین افزایش منبع و میزان درآمد، فعالیت‌های جانبی نظیر پرورش ماهی، زنبورعسل، پرورش ماکیان در نظر گرفته شود. بنابراین این امر بیانگر آن است که، چنانچه از بهره‌برداران با درآمد پایین حمایت بیش‌تری انجام شود و برنامه‌های سیاستی در جهت افزایش توان معیشتی این بهره‌برداران متمرکز گردد، نتایج رضایت‌بخشی در پی خواهد داشت.

- یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که عضویت در تعاونی‌های مرتعداری می‌تواند تأثیر مثبتی در میزان مشارکت بهره‌برداران داشته باشد، بنابراین پیشنهاد می‌گردد تمهیداتی در زمینه تشکیل تعاونی‌های مرتعداری در منطقه در نظر گرفته شود، تا از این طریق بتوان گامی مؤثر در زمینه جلب مشارکت بهره‌برداران برداشت.

- از آنجایی که حمایت‌های دولتی و تسهیلات بانکی می‌تواند نقش مؤثری در میزان مشارکت داشته باشد، بنابراین سازمان‌های متولی می‌توانند با تسهیلات مالی کم‌بهره، بهره‌برداران مرتعی را مورد حمایت خود قرار دهند. به‌طوری‌که این امر می‌تواند تضمینی برای اجرای موفق طرح‌های مرتعداری شود.

## منابع

1. Abedini, K.H. 2005. Investigating the social factors on the participation of pastoralists in range management projects in the Damavand watershed (Tehran province). J. For. Range. 53: 44-52. (In Persian)
2. Ajili, A., Behtash, M.G., and Danaee, M. 2007. Non economic factors affecting on the satisfying of the executives from the participation in the desertification projects in Khuzestan province. J. Iran Agric. Prom. Educ. 3: 1. 117-128. (In Persian)
3. Amirnejad, H., and Rafiee, H. 2009. Investigating the effect of economic-social factors on the participatory of pastoralists in implementing the rangeland management projects. Range. J. 4: 3. 710-722. (In Persian)
4. Arayesh, B., Hosseyni, S.F., Mirdamadi, S.M., and Malek-Mohammadi, A. 2010. Comparison the viewpoints of experts and pastoralists towards the forests and rangelands of the Ilam province. J. Iran Range. Des. Res. 17: 3. 377-392. (In Persian)
5. Atmis, E., Dasedmir, I., Lise, W., and Yidiran, O. 2007. Analysis factors affecting women's participation in forestry in Turkey. J. Ecol. Econ. 60: 787-796.

6. Bagdi, G. 2005. People participation in soil and water conservation through watershed approach, Indian International Book Distributing (IBDs). 311p.
7. Beheshtiseresht, M., Samari, D., and Mirdamadi, S.M. 2005. Investigating the factors affecting on local communities participation in the natural resources management. *J. For. Range. Manage.* 84: 90-95. (In Persian)
8. Brown, P., and Harris, G. 2005. Co-management of wildlife corridors: the case for citizen participation in the Algonquin to Adirondack proposal. *J. Environ. Manage.* 74: 97-106.
9. Chowdhury, S. 2004. Participation in forestry: A study of people's participation on the social forestry policy in Bangladesh: Myth or reality? University of Bergen, Department of Administration and Organization Theory, 112p.
10. Estelaji, A., and Fallahtabar, N. 2011. The application of participatory management model in the planning of rural communities development (Case study: Soltanieh region, Abhar). *Quar. J. New Ideas Human Geograph.* 3: 3. 69-78. (In Persian)
11. Faham, A., Rezvanfar, A., and Darvish, A. 2009. Participation in social forestry. Pelk Press, Tehran. 135p. (In Persian)
12. Huntsinger, L.P., and Fortmann, M. 1990. Californias Privately owned oak woodlands: Owners, use and management. *J. Range Manage.* 43: 2. 147-152.
13. Jalali, M., and Karami, A. 2006. Determining the factors affecting on participation of rangeland stakeholders in rangeland management cooperatives of the Kordestan province. *J. Pajouhesh Va Sazandgi.* 7: 35-45. (In Persian)
14. Khalighi, N., and Chakkoshi, B. 2005. Investigating the role economic factors of rural people on the amount of their participation in implementing restoration projects in natural fields (Chahkand watershed, Birjand city). *J. Des.* 10: 1. 15-32. (In Persian)
15. Khalighi, N., and Hassan-Ghasemi, T.M. 2004. Investigating the effect of economic-social factors on the stakeholders participation in the rangeland management projects (north of Golestan province). *J. Agric. Sci. Natur. Resour.* 11: 1. 181-190. (In Persian)
16. Khanmohammadi, M., Ariapour, A., and Razaghi, M.H. 2012. Prioritization the participatory barriers in the rangeland management projects from the viewpoints of experts (Case study: Tehran province, Dasht-e-Lar). *J. Iran Natur. Ecosyst.* 2: 3. 99-110. (In Persian)
17. Krause, T., Collen, W., and Nicholas, K.A. 2013. Evaluating safeguards in a conservation incentive program: participation, consent and benefit sharing in indigenous communities of the Ecuadorian Amazon. *Ecology and Society.* 18: 4. 1-16.
18. Liu, J., Yun, L., Liya, S., Zhiguo, C., and Baoqian, B. 2010. Public participation in water resources management of Haihe River Basin, China, the analysis and evaluation of status quo. *J. Environ. Sci.* 2: 1. 1750-1758.

19. Lubell, M.N., Cutts, B.B., Roche, L.M., Hamilton, M., Derner, J.D., Kachergis, E., and Tate, K.W. 2013. Conservation program participation and adaptive rangeland decision-making. *Rangeland Ecology and Management*. 66: 6. 609-620.
20. Mirdamadi, S.M., and Salehi, F. 2004. Investigating the role of non-governmental organizations in protection and restoration of forests and rangelands in Mazandaran province. *J. For. Range*. 65: 56-63. (In Persian)
21. Mohammadi, G.H. 2004. Factors effecting on participation of rural people in watershed management projects. *Jahad J.* 22: 262. 13-17. (In Persian)
22. Mousavi, S.M. 2003. Complexity dimension and solutions for managing rural rangelands in Iran. *J. For. Range*. 60: 6-9. (In Persian)
23. Ozerol, G., and Newig, J. 2008. Evaluating the success of public participation in water resources management: Five key components. *J. Water Policy*. 10: 639-650.
24. Prokopy, L. 2005. The relationship between participation and project outcomes: audience from rural water supply projects in India. *J. World Dev.* 33: 1801-1819.
25. Rezaee, R., Vedadi, A., and Mehrdoost, K.H. 2012. Investigating effective factors on participation of rural people in watershed management projects in the Khamarah watershed (Case study: Deh-Jalal). *J. Rural Res.* 3: 1. 199-121. (In Persian)
26. Rice, S., and Stuart, A. 1967. Social accounting and statistics for the great society. *Public and Ministration review*, June. 173p.
27. Richards, C., Blackstock, K., and Carter, C. 2004. Practical approaches to participation. *SERP Policy Brief*. 1: 3. 29-38.
28. Roohi, F., Amirnejad, H., Heidari, Gh., and Ghorbani, J. 2010. Investigating the role of social factors of stakeholders on the amount of their participation in implementing the range management projects (Case study: Ghaem-Shahr rangelands). *Range. J.* 4: 3. 474-483. (In Persian)
29. Saadi, H. 1993. The fields of people participation in the sustainable development of natural resources. *J. For. Range*. 33: 14-60. (In Persian)
30. Shaabanalifami, H., Faham, A., Fattahi, R., Moridosadat, P., and Malekipour, R. 2010. Investigating the effective factors on stake holders participation in range management projects (Case study: Tafresh rangelands). *Range. J.* 4: 4. 598-608. (In Persian)
31. Shariaatzad, M., Pezeshkirad, G.H., and Sedighi, H. 2011. Investigating the role of natural resources promotion in recovery of participatory management of Semnana rangelands. *J. For. Range*. 90-91: 36-42. (In Persian)
32. Sharifi, A., Hosseini, S.M., and Asadi, A. 2010. Analyzing the participation methods in order to rebuild damaged houses in earthquake villages in the Bam city. *J. Rural Res.* 1: 1. 121-142. (In Persian)



33. Skutsch, M., and Laake, P.E. 2008. REDD as multi-level governance in-the-making. *Energy and Environment*. 19: 831-844.
34. Taleb, M., and Najafi-Asl, Z. 2010. Lessons from the process of rural participation in Iran. *J. Rural Res.* 1: 2. 27-48. (In Persian)
35. Thapa, B. 1999. A community scheme to encourage private tree planting by farmer in the hills of Nepal. Overseas Development Institute Press. London, 26p.
36. Voinov, A., Arctur, D., and Zaslavskiy, I. 2008. Community-based software tools to support participatory modeling: a vision. *International Congress on Environmental Modeling and Software*. Pp: 766-774.
37. Zohdi, M.A., Khalili, A., Nematpour, A., Masoudi, H., and Shafiee, P. 2004. Investigating the role of Islamic council in the managing rural rangelands (Case study: Damavand city). Paper Abstracts of the Third National Conference on Iran Rangeland and Range Management, Damavand, Iran. (In Persian)

